



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

تاریخ: ۲۱ آذر ۱۴۰۲

مصادف با: ۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۵

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - تحلیل ماهیت پول - نظریات اندیشمندان اسلامی: ۱. شهید صدر -

رابطه قدرت خرید با کارکردهای پول

جلسه: ۱۶

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

## نظریات اندیشمندان اسلامی در تحلیل ماهیت پول

بحث در ماهیت پول و تحلیل حقیقت پول بود؛ بعد از یک اشاره اجمالی به آنچه که در میان دانشمندان مغرب زمین مطرح است (که به دو مکتب اصلی اشاره کردیم) به نظریات برخی از اندیشمندان اسلامی باید بپردازیم. در رابطه با پول و تحلیل ماهیت آن، بین اندیشمندان اسلامی نظرات مختلفی نقل شده و وجود دارد؛ هم در میان عالمان اهل سنت و هم در بین علمای شیعه. از میان کسانی که شاید در معاصرین تا حدی پیش قدم بوده‌اند در این مسأله، مرحوم شهید صدر است. قبل از اینکه نظر ایشان را بیان کنیم، اشاره به این مطلب لازم است که بحث از مال بودن پول یا سند بودن پول، بحث مهمی است؛ اینکه ما مثلاً بگوییم پول خودش مال است یا سند برای یک مال است؛ سند هم تارة سند دین است و آخری سند عهده. طبیعتاً تفاوت‌هایی بین این دو وجود دارد و ضمانتی که مربوط به ذمه باشد با ضمانتی که مربوط به عهده باشد، فرق‌هایی دارند. این را ما بعداً رسیدگی خواهیم کرد، چه اینکه در بحث از رمز ارزها یک اشاره اجمالی به این مطلب داشتیم.

آنچه که به عنوان نظریه می‌خواهیم مطرح کنیم، نسبت آن با مال یا سند بودن پول، مطلبی است که بعداً به آن خواهیم پرداخت. اینکه مثلاً اگر نظریه قدرت خرید که شهید صدر مطرح کرده پذیرفته شود، چگونه با مال بودن یا سند بودن قابل جمع است؟ آیا می‌توانیم هر یک از این دو مبنا را با این نظریه تطبیق بدهیم یا نه، این بحثی است که بعداً به آن خواهیم پرداخت. الان ما حقیقت و ماهیت پول را می‌خواهیم ببینیم چیست و چه تحلیلی از آن ارائه می‌شود.

### ۱. نظر شهید صدر

مرحوم شهید صدر در چند کتاب از کتاب‌هایشان به این مسأله پرداخته‌اند اما آن کتابی که بیشتر در این رابطه سخن گفته‌اند، کتاب «البنک اللاربوی فی الاسلام» است؛ عنوانی که برای نظریه ایشان می‌توانیم ذکر کنیم و خود ایشان هم از آن استفاده کرده، نظریه قدرت خرید است. حالا این مبتنی بر یک مقدماتی است و توضیحاتی دارد که عرض خواهیم کرد. ایشان به مناسبت باب صرف و اینکه احکام این باب با تغییر پول از یک نوع به نوع دیگر تغییر می‌کند، ابتداءً به چهار نوع پول اشاره می‌کند و احکام صرف را در مورد آنها بیان می‌کند.

نوع اول: نوع اول، پول‌های تمام عیار معدنی طلا و نقره است؛ به نظر ایشان احکام شرعی صرف که در فقه عمدتاً بیان شده، ناظر به این نوع از پول است.

نوع دوم: نوع دوم، پول‌های کاغذی نیابتی است که به عنوان سند و نمایندگی بخشی از طلای موجود در خزانه صادرکننده سند مطرح شده است. کاغذهایی که در یک دوره‌ای طلا و نقره موجود در خزانه اشخاص را نمایندگی می‌کرد. ایشان می‌فرماید

احکام صرف در این نوع، مثل نوع اول است و فرقی با آن ندارد.

اگر ملاحظه بفرمایید کأن این انواعی که ایشان ذکر می‌کند به لحاظ ادوار مختلفی است که پول طی کرده است؛ حالا بعد از پول کالایی وقتی حقیقتاً طلا و نقره به عنوان پول مورد استفاده قرار گرفت و بعد از آن، انواعی برای پول پیدا شده است. ایشان از آن زمان را دارد ذکر می‌کند و این انواع به حسب مراحل و ادواری است که پول طی کرده، که ما قبلاً اشاره‌ای به این مراحل داشتیم.

نوع سوم: نوع سوم، پول‌های کاغذی است که در واقع حاکی از تعهد منبع صادرکننده این کاغذها نسبت به ارزش طلایی است که این کاغذها آن را نمایندگی می‌کنند. این کاغذها را وقتی به منبع صادرکننده ارائه می‌کردند، به ازای مقدار مذکور در کاغذ می‌توانستند از منبع صادرکننده طلا یا نقره بگیرند. آن وقت خود این پول به نظر ایشان دو صورت برای آن تصویر می‌شود: صورت اول: اینکه این برگه‌هایی که منبع صادرکننده در اختیار مردم قرار داده، تعهد آن منبع به پرداخت ارزش طلای آن، مستقل از آن منبع است؛ بدین معنا که گویا اعتبار آن منبع و التزامش به وفای به تعهد، موجب ارزش پیدا کردن این برگه‌ها شده است.

صورت دوم: این است که منبع صادرکننده که متعهد به پرداخت ارزش طلای آن برگه‌ها شده، در واقع ذمه خودش را مشغول به اندازه آن ارزش کرده است. فرق این صورت با صورت اول در این است که در این صورت اگر خریدار با این برگه یک کالایی را خریداری کند یا خدمتی را بخرد، اینجا خرید در واقع به وسیله این برگه انجام نشده، بلکه به وسیله آن دینی که در ذمه منبع صادرکننده است، انجام شده است. به عبارت ساده‌تر این برگه‌ها سند دین محسوب می‌شود؛ پس معامله با این برگه، معامله با خود آن نیست، بلکه معامله با ارزش طلای آن برگه‌هاست. اما در صورت اول، خرید به وسیله خود این برگه‌ها صورت می‌گیرد؛ چون سند دین نیست بلکه سند عهده است. اینجا احکام صرف از جمله تساوی ثمن و مضمن لازم نیست رعایت شود، برخلاف صورت اول.

نوع چهارم: نوع چهارم در واقع همان نوع سوم است، یعنی پول‌های کاغذی که نمایندگی می‌کند ارزش طلا را یا معادل آن را، لکن منبع صادرکننده دیگر تعهدی به پرداخت ارزش طلای این برگه‌ها ندارد. ایشان تعبیر می‌کند از این نوع پول به پول‌های کاغذی الزامی؛ یعنی پول‌های کاغذی که ارزش و قیمت ذاتی ندارند و ارزش خودشان را تنها با اعتبار و قانون پیدا کرده‌اند؛ پول‌هایی که دولت‌ها به آن اعتبار می‌دهند یا بانک خصوصی یا یک نهاد مالی خصوصی، این با اعتبار قانون پدید آمده و دولت هیچ تعهدی به پرداخت ارزش طلای آن ندارد. اینجا ایشان می‌گوید احکام صرف که در طلا و نقره واجب الرعایه است، اینجا لازم نیست رعایت شود.

پس این چهار نوع پول، برخی ظرف جریان احکام صرف هستند به واسطه بیوستگی که با طلا و نقره دارند؛ نوع اول و دوم این چنین بود، یک صورت از نوع سوم اینطور بود، نوع چهارم مطلقاً احکام صرف در آن جاری نمی‌شود و واجب نیست رعایت شود. البته ایشان شاهد و ناظر پول‌های جدید نبود، پول‌های الکترونیکی که این روزها رواج پیدا کرده، آن موقع هنوز مطرح نبود.

#### ویژگی‌های پول کاغذی امروزی

ایشان بعد از بیان این انواع، درباره پول‌های کاغذی یک ویژگی‌هایی را ذکر می‌کند:

۱. اینکه پول کاغذی یک مال مثلی است اما مثل آن تنها همان کاغذ نیست بلکه هر چیزی است که قیمت حقیقی آن را مجسم و بیان می‌کند. لذا نتیجه می‌گیرد و می‌گوید اگر بانک هنگام بازپرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران، قیمت حقیقی آنچه را که دریافت کرده پرداخت کند، ربا نیست. این قیمت حقیقی را خواهیم گفت، این همان قدرت خرید است. می‌گوید اگر مثلاً کسی سپرده‌ای در بانک گذاشته که قیمتش فلان مقدار بوده قیمتش و آن مقدار کالایی که می‌توانسته با آن بخرد، پنج سال پیش یک عددی بوده و یک مقدار کالا می‌توانسته بخرد، مثلاً با آن می‌توانست ۵ کیلو برنج بخرد، ولی امسال یک کیلو. ایشان می‌گوید اگر بانک قیمت امروز را به سپرده‌گذار بپردازد، این ربا نیست. حالا ما فعلاً نمی‌خواهیم وارد بخش دوم و احکام شویم؛ می‌خواهیم ببینیم پول در نظر ایشان عبارت از همین قیمت حقیقی است. پس می‌گوید پول یک مال مثلی است و مثل آن یک اسکناس صد هزار تومانی نیست؛ نکته حرف ایشان این است، مثلی هست اما مثلش خود این کاغذ نیست. اینجاست که باید توجه کنید و بعداً بیشتر به آن بپردازیم.

۲. ایشان می‌گوید: این پول کاغذی در واقع یک پول الزامی است؛ منظور از پول کاغذی الزامی یعنی پولی که ارزش ذاتی ندارد بلکه ارزش و قیمت آن به وسیله قانون اعطا و اعتبار می‌شود. نظیر این را در گذشته نقل کردیم، مثل پول‌های نظامی؛ شروع پول‌های الزامی که امروزه ما به رسمیت می‌شناسیم، همان پول‌های نظامی بود که در زمان جنگ، کشورهای اشغال‌کننده در کشور اشغال‌شده اعتبار می‌کردند.

۳. مسأله دیگر این است که اسکناس امروزه یک پول الزامی بدون پشتوانه است، دیگر پشتوانه طلا و نقره ندارد و صرفاً با الزام حکومت به جریان افتاده است. اینکه عرض کردم ایشان می‌گوید پول کاغذی مال مثلی است، نوعاً فقها این را می‌گویند که این مثلی است؛ منتهی فرق این است که مثلی را در اینجا منطبق می‌کنند بر یک کاغذی مثل آن. اما ایشان می‌گوید مثلیت پول تنها در این کاغذ و تعداد واحدهایی که روی آن کاغذ درج شده نیست، نه اینکه بگویند این اصلاً نیست.

### **رابطه قدرت خرید با کارکردهای پول**

یک نکته دیگر هم باید مورد توجه قرار بگیرد و آن اینکه مثل این کاغذ عبارت است از هر چیزی که قیمت حقیقی آن را مجسم کند. ممکن است سؤال شود که قیمت حقیقی این صد هزار تومان چیست؟ می‌گوید این صد هزار تومان خودش یک قیمت و ارزشی دارد. قیمت و ارزش این صد هزار تومان همان قدرت خرید است. قدرت خرید یعنی چه؟ قدرت خرید پول، آن مقدار کالایی است که با واحد پول می‌توان در هر لحظه از زمان خرید؛ حالا چه کالایی، این خودش بحث دارد و متفاوت است. چون الان قیمت همه اجناس با هم بالا نمی‌رود؛ بعضی چیزها بیشتر و بعضی کمتر؛ یک چیزی ممکن است پنج برابر و یک چیز دیگر دو برابر شود. اینکه چه کالایی منظور است، این را هم یک سبد کالایی درست می‌کنند، اما برای تقریب به ذهن مثال زدیم که فرض بفرمایید متوسط قیمت‌های اجناس مصرفی در نظر گرفته می‌شود. چون ما یک وقت قیمت شیر و پنیر و لبنیات و گوشت و برنج را لحاظ می‌کنیم، یک وقت قیمت زمین را؛ یک وقت‌هایی می‌بینید قیمت زمین ثابت است، ... بالاخره فرض کنید با آن شاخص و با آن استاندارد می‌گفتیم، پول یک قیمتی داشته که می‌توانسته با آن پنج کیلو برنج بخرد، فلان قدر چه بخرد، همه در یک سطحی متناسب با هم بودند. اما الان یک قیمت دیگر پیدا کرده است؛ یعنی یک ارزش دیگری پیدا کرده است. این ارزش در هر زمانی تغییر می‌کند (البته الان لحظه‌ای است ولی در هر زمانی تغییر می‌کند). آن مقدار کالایی که می‌تواند با این واحد پول بخرد، متفاوت است. حقیقت پول به نظر ایشان این است.

اگر بخواهیم مقایسه کنیم آنچه را که ایشان گفته با کارکردها و وظایف پول که در گذشته اشاره کردیم؛ ما دو سه وظیفه برای پول ذکر کردیم؛ گفتیم معروف این است که پول چیزی است که واسطه در مبادله است؛ پول ذخیره ارزش است، یا معیار سنجش ارزش است. حالا اینکه ما پول را با کارکردها و وظایفش تعریف کردیم و البته ما همه اینها را به یک بیان معرفی کردیم و گفتیم پول عبارت است از چیزی که دارای ارزش مبادله‌ای باشد؛ هر چیزی که ارزش مبادله‌ای داشته باشد، .... مسلماً قدرت خرید با این ارزش ارتباط دارد؛ اینکه ما می‌گوییم ماهیت پول چیست، من از شما سؤال می‌کنم که این ارزش مبادله‌ای از کجا پیدا می‌شود؟ این با چه چیزی سنجیده می‌شود؟ ما وقتی می‌خواهیم ماهیت پول را تحلیل کنیم، گمان من این است که مقدار این ارزش را می‌خواهیم بیان کنیم. می‌گوییم پول معیار سنجش ارزش است، ذخیره ارزش است، ولی آن ارزش چیست؟ آن ارزشی که شما می‌گویید پول دارای ارزش مبادله‌ای است، ذخیره ارزش می‌کند، آن ارزش چیست؟ آن ارزش همان قدرت خرید است؛ ایشان می‌گوید حقیقت و ماهیت پول، قدرت خرید است؛ و قدرت خرید یعنی آن مقدار کالایی که با این واحد پول می‌توان در هر لحظه از زمان خرید. این کاغذ که خودش ارزش ندارد؛ همه ارزش پول در این قدرت و توانایی است، در این قدرت خرید است. این محصل نظر مرحوم آقای صدر است.<sup>۱</sup> شاگردان ایشان هم بعضاً با یک تفاوت‌هایی این نظر را پذیرفته‌اند، منتهی حالا باید ببینیم این یک نظریه مقبول هست یا معرف همه حقیقت پول نیست.

«والحمد لله رب العالمین»